

## بررسی رابطه محافظه کاری و محتوای اطلاعات حسابداری

در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر شهناز مشایخ

استادیار گروه حسابداری دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>

مرضیه هجرانی جمیل

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>

### چکیده:

تحقیق حاضر، به بررسی اثر رعایت محافظه کاری بر محتوای اطلاعات حسابداری می‌پردازد. در این پژوهش برای محافظه کاری از مدل باسو و در مورد محتوای اطلاعات حسابداری از هر دو مدل بازده و مدل قیمت استفاده شد. داده‌های مالی ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ جمع‌آوری و فرضیات تحقیق با استفاده از رگرسیون چندگانه و آزمون والد و Z کرامر، آزمون شده‌اند، یافته‌های تجربی تحقیق، ضمن تأیید رعایت محافظه کاری در ایران، نشان دادند افزایش محتوای اطلاعات حسابداری همگام با افزایش سطح محافظه کاری شرکت‌ها از کم به زیاد، با استفاده از مدل قیمت معنادار است، همچنین نتایج بررسی روند محافظه کاری و محتوای اطلاعات حسابداری در طول دوره مورد بررسی، با استفاده از مدل قیمت، حاکی از افزایش محتوای اطلاعات

حسابداری در جهت افزایش سطح محافظه کاری بود، با این حال چنین الگویی با استفاده از مدل بازده، دیده نشد.

## کلید واژه: سطح محافظه کاری زیاد، سطح محافظه کاری کم، محافظه کاری، محتوای اطلاعات حسابداری

### ۱. مقدمه

از دیدگاه تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، خصوصیات کیفی به خصوصیتی اطلاق می شود که موجب می گردد اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی برای استفاده کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری، مفید واقع شود، برخی خصوصیات کیفی به محتوای اطلاعات مندرج در صورتهای مالی و برخی دیگر به چگونگی ارائه این اطلاعات مربوط می شود. مربوط بودن و قابلیت اتکاء جزء خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات است. هرگاه صورتهای مالی مربوط و قابل اتکا نباشد، مفید نخواهد بود. مربوط بودن ارزش، اصلی ترین ویژگی اطلاعات حسابداری می باشد، بدین معنا که اطلاعات باید مرتبط با فعالیتها و نتایج مورد نظر باشد و برای استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی باشد، محافظه کاری، یکی از اجزای خصوصیات کیفی قابل اتکا بودن است که با عنوان احتیاط شناخته می شود، احتیاط عبارت است از کاربرد درجهای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه ای که درآمدها و داراییها بیشتر از واقع و هزینهها و بدهیها کمتر از واقع ارائه نشود [۱].

در این مقاله سعی بر این است که اثر رعایت محافظه کاری به عنوان یکی از زیر ویژگی های قابل اتکا بودن بر مربوط بودن، دیگر ویژگی کیفی اطلاعات، بررسی شود، که در این راستا سوال اول تحقیق به میزان رعایت محافظه کاری در ایران و دومین سوال، به بررسی رابطه رعایت محافظه کاری و محتوای اطلاعات حسابداری (مربوط بودن ارزش) می پردازد.

## ۲. ادبیات محافظه کاری و پیشینه تحقیق:

محافظه کاری حداقل از ابتدای قرن بیستم تا کنون یکی از ویژگی‌های برجسته در گزارشگری مالی بوده است [۲۸]. در ادبیات حسابداری تا کنون تعاریف متعددی از محافظه کاری به رشته تحریر درآمده است. باسو (۱۹۹۷) محافظه کاری حسابداری را رویه ای می‌داند که در واکنش به اخبار خوب و بد متضاد عمل می‌کند، به طوریکه در مقابل اخبار بد، سود و داراییها را کمتر نشان می‌دهد ولی در مقابل اخبار خوب سود و داراییها را بیشتر نشان نمی‌دهد [۱۲]، واتز (۲۰۰۲) محافظه کاری حسابداری را این چنین تعریف می‌کند؛ "لزوم تفاوت قائل شدن در اثبات پذیری شناسایی سود در مقابل زیان" [۲۸]. از نظر اسمیت و اسکوسن (۱۹۸۷) و گیولی و هاین (۲۰۰۰) محافظه کاری عبارت است از انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان که در نهایت به ارایه کمترین داراییها و درآمدها بیانجامد و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد [۱۹]. احمد و همکاران (۲۰۰۲) محافظه کاری را به عنوان کم نمایی پیوسته ارزش دفتری خالص داراییها نسبت به ارزش بازار می‌دانند [۹]. فلتهام و اولسونز محافظه کاری حسابداری را این گونه تعریف می‌کنند، به کارگیری رویکردی که در آن ارزش خالص داراییهای گزارش شده توسط یک شرکت، در بلند مدت از ارزش بازار آن کمتر نشان داده شود [۱۸].

گیولی و همکاران استدلال می‌کنند که کیفی بودن محافظه کاری باعث شده است تا کنون پژوهش‌های اندکی در مورد محافظه کاری صورت گیرد [۱۹]. در سالهای اخیر با ابداع روش‌هایی برای اندازه‌گیری و کمی کردن محافظه کاری از قبیل، واکنش نامتفاران سود [۱۲]، اقلام تعهدی و غیر عملیاتی، چولگی منفی توزیع سود، نسبت جریانهای نقدی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص داراییها [۱۹]، پایداری بیشتر تغییرات منفی سود نسبت به تغییرات مثبت [۲۲]، واکنش متقارن تعدیل شده [۲۱]، ذخایر برآوردی مخفی [۲۵]، باعث افزایش

تحقیقات محافظه‌کاری و ارتباط آن با دیگر متغیرها، شده است که در ادامه به صوت خلاصه به آن اشاره خواهد شد.

بیکس و همکاران (۲۰۰۴) با بررسی رابطه محافظه‌کارانه و به موقع بودن سود نشان دادند که اعمال محافظه‌کاری در حسابداری می‌تواند به بهبود کیفیت گزارشگری مالی برون سازمانی منجر شود و افزایش محتوای اطلاعات حسابداری را به دنبال داشته‌باشد [۱۳]. بررسی ژانگ (۲۰۰۴)، نشان داد که اعمال محافظه‌کاری زیاد در تهیه صورت‌های مالی باعث افزایش محتوای اطلاعات و مربوط بودن ارقام حسابداری، برای وام دهندگان می‌شود [۲۹]. بالاچاندران (۲۰۰۶) به بررسی رابطه درجه محافظه‌کاری و محتوای اطلاعات حسابداری، پرداخت. یافته‌های وی حاکی از آن بود که با افزایش سطح محافظه‌کاری محتوای اطلاعات حسابداری کاهش می‌یابد [۱۰]. ونسن پائیک و همکاران (۲۰۰۷) با بررسی اثر محافظه‌کاری حسابداری بر پایداری سود دریافتند که با افزایش محافظه‌کاری پایداری سود حسابداری و به دنبال آن مربوط بودن اطلاعات حسابداری کاهش یافته‌است [۲۳]. کوسندیس و لاداس (۲۰۰۷) با بررسی اثر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعات سود حسابداری نشان داد که بین گزارشگری محافظه‌کارانه و محتوای اطلاعاتی سود یک رابطه غیر خطی وجود دارد [۲۲]. پروین شورف (۲۰۰۷)، در تایید تحقیقات قبلی نشان داد که همبستگی اخبار بد و درآمد جاری بسیار بیشتر از همبستگی بین اخبار خوب و درآمدها جاری است [۲۶]. نتایج تحقیق دیمیتروپولوس و استریو (۲۰۰۸) نشان داد که بهبود افشا، در شرکت‌ها با سطح محافظه‌کاری کم، موجب افزایش محتوای اطلاعات می‌شود [۱۶]. ساندر (۲۰۰۹) با مطالعه‌ی تاثیر محافظه‌کاری بر قراردادهای بدهی نشان دادند که با اعمال محافظه‌کاری محتوای اطلاعات حسابداری برای اعتباردهندگان، افزایش می‌یابد [۲۷]. هوگون و موسلو (۲۰۱۰) در بررسی خود مشاهده کردند که واکنش بازار (سرمایه‌گذاران و سهامداران) به پیش‌بینی تحلیل‌گران محافظه‌کارتر به مراتب شدیدتر از واکنش ایشان به پیش‌بینی سایر تحلیل‌گران است [۲۰]. پارک و همکاران (۲۰۱۱) با بررسی اثر محافظه-

کاری بر محتوای اطلاعات افشایی حسابداری نشان دادند که محافظه‌کاری بر رابطه بین افشائیات حسابداری به صورت داوطلبانه و محتوای اطلاعات حسابداری اثر می‌گذارد [۲۴].

شورورزی و خاندوزی (۱۳۸۸) در یک پژوهش تحلیلی و غیر تجربی، مبین اثر مطلوب محافظه‌کاری بر کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده بودند [۲]. مهرانی، حلاج و حسنی (۱۳۸۸) با بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری نشان دادند که سود حسابداری حدود ۳,۶۶ مرتبه نسبت به بازده منفی سهام حساس تر از بازده مثبت سهام است [۶]. نتایج بررسی کرمی، حسینی و حسنی (۱۳۸۹) پیرامون رابطه بین سازوکارهای نظام راهبری شرکت و محافظه‌کاری حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت و معنا دار بین در صد مالکیت اعضای هیئت مدیره و سرمایه گذاران نهادی با محافظه‌کاری بود [۴]. نتایج تحقیق مهرانی، مرادی و اسکندر (۱۳۸۹) حاکی از آن بود که، سهامداران مدیران را به گزارش سود با کیفیت بالاتر (از طریق کاربرد رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تر) تشویق می‌کنند [۵]. کردستانی، خلیلی (۱۳۹۰) با بررسی تاثیر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی جریانهای نقدی و ارقام تعهدی، نشان دادند که بین محتوای اطلاعاتی تفاضلی جریانهای نقدی و ارقام تعهدی با رتبه محافظه‌کاری شرکت‌ها همبستگی مثبتی وجود دارد [۳].

با توجه به پیشینه تحقیق ارائه شده، این سؤال در ذهن محقق شکل گرفت که آیا محافظه‌کاری در ایران رعایت می‌شود؟ و آیا محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعات حسابداری تأثیرگذار است یا خیر؟ که این پژوهش در راستای نیل به پاسخ‌های سوالات مطرح شده می‌باشد.

### ۳. تبیین فرضیه‌های تحقیق:

بر اساس پرسش‌های پژوهش در این تحقیق، فرضیه‌های زیر، مورد آزمون قرار خواهد گرفت:

باسو محافظه‌کاری را، به عنوان شناسایی سریع‌تر اخبار بد<sup>۱</sup>، نسبت به اخبار خوب<sup>۲</sup> توصیف می‌کند و بازده سهام را برای اندازه‌گیری اخبار به کار می‌برد. به موقع‌تر بودن سود حسابداری برای اخبار بد حاکی از حساسیت بیشتر سود حسابداری به بازده منفی سهام نسبت به بازده مثبت سهام در یک زمان است، که توسط شیب خط حاصل از رگرسیون معکوس سود حسابداری به بازده اندازه‌گیری می‌گردد و استدلال می‌شود که محافظه‌کاری وجود دارد، اگر که شیب بازده‌های منفی عددی مثبت و بزرگتر از شیب بازده‌های مثبت شود [۲۲]. با این تعاریف فرضیه اول به صورت زیر بیان می‌شود:

*فرضیه اول: محافظه‌کاری در صورت‌های مالی ایران رعایت می‌شود.*

که با توجه به مدل باسو می‌توان فرضیه اول را به این صورت نیز بیان کرد؛ تفاوت شیب بازده‌های منفی سهام و شیب بازده‌های مثبت سهام، در ایران عددی مثبت است.

فرضیه‌ی دوم تحقیق به ارتباط بین محافظه‌کاری و محتوای اطلاعات حسابداری<sup>۳</sup> (مربوط بودن ارزش) توجه دارد، مربوط بودن اطلاعات حسابداری به معنای موثر واقع شدن آن بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان است. این تأثیر از طریق کمک به استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده یا تایید یا تصحیح ارزیابی‌های گذشته حاصل می‌شود [۱]. همانطور که پیش از این گفته شد محافظه‌کاری نیز یکی از اجزای قابل اتکا بودن است، بنابراین فرضیه دوم مقاله بدین گونه مطرح می‌شود.

---

<sup>۱</sup> - bad news

<sup>۲</sup> - good news

<sup>۳</sup> - value relevance

فرضیه دوم: بین درجه‌ی رعایت محافظه‌کاری در تهیه‌ی صورت‌های مالی در ایران و محتوای اطلاعات گزارش شده توسط شرکتها رابطه معناداری وجود دارد.

به بیان عملیاتی در مورد فرضیه دوم می‌توان گفت محتوای اطلاعات حسابداری با افزایش سطح محافظه‌کاری، افزایش می‌یابد.

#### ۴. روش تحقیق:

##### ۴-۱. نمونه آماری

جامعه‌ی آماری این تحقیق در برگیرنده‌ی کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ می‌باشد، نمونه آماری تحقیق، شامل شرکت‌هایی که هر ۴ معیار زیر داشته باشد:

۱. برای رعایت قابلیت مقایسه، دوره‌ی مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
۲. طی دوره بررسی (۱۳۸۵-۱۳۸۹) تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشند.
۳. جز بانک‌ها و موسسات مالی نباشند.
۴. اطلاعات متغیرها در کلیه سال‌های مورد بررسی در دسترس باشد.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۲۳ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردید، با بررسی داده‌های جمع‌آوری شده و حذف مشاهدات پرت در نهایت نمونه تحقیق ۹۰ شرکت را شامل گردید، که با احتساب مشاهدات ۵ ساله می‌توان گفت تعداد نمونه‌ی این تحقیق، ۴۵۰ شرکت-سال می‌باشد. داده‌های تحقیق حاضر، از بانک اطلاعاتی جامع "ره آورد نوین" و "تدبیر پرداز" استخراج گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار Excel در قالب پرونده‌های اطلاعاتی گردآوری شد. سپس متغیرهای مورد نظر محاسبه و نهایتاً از طریق نرم افزارهای مربوطه مانند: SPSS & Eviews پردازش گردید.

## ۲-۴. اندازه‌گیری محافظه‌کاری و محتوای اطلاعات حسابداری

در این تحقیق میزان محافظه‌کاری با مدل باسو و از طریق رابطه بین سود و بازده توسط برازش مدل زیر سنجیده می‌شود و میزان محافظه‌کاری از تفاوت ضرایب  $b_3$  و  $b_2$  (ضرایب رگرسیون) در معادله (۱-۱) است،

$$\frac{E_{it}}{P_{it-1}} = b_0 + b_1 D_{it} + b_2 R_{it} + b_3 R_{it} D_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در این مدل  $E_{it}$ ، سود شرکت  $i$  در سال  $t$ ،  $P_{it-1}$  ارزش بازار سرمایه (سهام) در ابتدای دوره  $t$ ،  $R_{it}$  بازده سالانه سهام و  $D_{it}$  یک متغیر مجازی است که اگر بازده سالانه سهام منفی باشد، مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر صفر منظور می‌شود.

با توجه به مدل بالا شرط محافظه‌کار بودن این است که تفاوت ضرایب  $b_3$  و  $b_2$  مثبت باشد با در نظر داشتن اینکه ضریب  $b_3$  در معادله ی باسو در نتیجه اخبار بد و ضریب  $b_2$  در نتیجه هم اخبار خوب و هم در اخبار بد در معادله است و در مدل باسو، محافظه‌کاری به معنی سریعتر انعکاس دادن اخبار بد نسبت به اخبار خوب است پس لازمه ی محافظه‌کار بودن این است که  $b_3 - b_2 \geq 0$  باشد [۲۲].

در مورد محتوای اطلاعات حسابداری نیز، از دو مدل قیمت و بازده استفاده شد. مدل بازده به تشریح رابطه بازده سهام و سود حسابداری می‌پردازد. استون و هریس بازده را، به واسطه همبستگی با اهمیتی که با محتوای اطلاعاتی سود حسابداری دارد، نماینده ی محتوای اطلاعاتی سود حسابداری می‌دانند و آنرا توسط مدل زیر، اندازه‌گیری می‌کنند:

$$RET_{ij} = \alpha_0 + \frac{\alpha_1 E_{ij}}{P_{ij-1}} + \frac{\alpha_2 E_{ij-1}}{P_{ij-1}} + \varepsilon_{ij} \quad (2)$$

که در این مدل  $RET_{ij}$  بازده سالیانه شرکت  $j$ ، در سال  $t$ ،  $E_{ij}$  سود سالیانه هر سهم،  $E_{ij} - E_{ij-1}$  تغییرات سالیانه سود هر سهم و  $P_{ij-1}$  قیمت سال گذشته سهام شرکت  $j$  است [۱۷].

مدل دیگر که به مدل قیمت شهرت دارد و توسط فلتهم و اولسون (۱۹۹۵) مطرح شد. این مدل در ارتباط با قیمت سهام، سود حسابداری و ارزش دفتری سهام است و در اکثر تحقیقات از جمله کولینز و همکاران (۱۹۹۷) و دیچا و (۱۹۹۵) مورد استفاده قرار گرفته است. [۱۴]، [۱۵].

مدل قیمت به صورت زیر می باشد:

$$P_{jt} = \gamma_0 + \gamma_1 BV_{jt} + \gamma_2 E_{jt} + \varepsilon_{jt} \quad (۳)$$

در این مدل  $P_{ij}$  ارزش بازار هر سهم از شرکت  $j$  در پایان ماه ارایه صورت های مالی در سال  $t$ ،  $BV_{jt}$  ارزش دفتری هر سهم شرکت  $j$  در سال  $t$  و  $E_{jt}$  سود حسابداری گزارش شده هر سهم شرکت  $j$  در سال  $t$  است [۱۸].

برای آزمون این فرضیه با در نظر داشتن اینکه اندازه گیری محافظه کاری با استفاده از مدل با سو به دلیل گستردگی آن و حجم وسیعی از داد ها ممکن نیست، به تبعیت از بالاچاندرام و تحقیق گیولی و هاین از ارزش بازار به دفتری شرکت ها، استفاده شد، برای محاسبه این نسبت، مجموع ارزش بازار سهام شرکت بر مجموع ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، مندرج در ترازنامه شرکت، تقسیم می شود، هر اندازه که محافظه کاری بیشتری در حسابداری و گزارشگری مالی اعمال شده باشد، ارزش های دفتری کمتر از ارزش های بازار شده و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی ها افزایش خواهد یافت. با توجه به این مطلب، در این پژوهش، شرکت ها را از نظر میزان محافظه کاری به دو سطح، کم محافظه کار و زیاد محافظه کار تقسیم کرده و در این دو سطح به بررسی محتوای اطلاعاتی حسابداری (مربوط

بودن ارزش) محاسبه شده توسط هر دو مدل بازده و قیمت و مقایسه‌ی آن در دو سطح محافظه کاری پرداخته شد [۱۰]، [۱۹].

### ۳-۴. آزمون فرضیه ها

پس از برازش مدل رگرسیونی معرفی شده توسط باسو و تخمین ضرایب آن، فرضیه اول با استفاده از آزمون والد، آزمون می شود. فرضیه دوم نیز، از طریق برازش مدل رگرسیونی قیمت و بازده در هر دو سطح محافظه کاری کم و زیاد، و مقایسه آماره ضریب تعیین با استفاده از آزمون Z کرامر، مورد آزمون قرار می گیرد.

### ۵. یافته‌های تجربی تحقیق

پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیات، آماره‌های توصیفی هر یک از متغیرها به صورت جداگانه در دو سطح محافظه کاری کم و زیاد، محاسبه گردید. این آماره‌ها در نگاره ۱ ارایه شده است.

نگاره ۱- آماره های توصیفی

متغیر	میانگین		انحراف معیار	
	کم محافظه کار	زیاد محافظه کار	کم محافظه کار	زیاد محافظه کار
<i>BV</i>	۱۵۷۶/۷۴	۱/۵۹۷۱	۱/۹۷۳	۱/۰۲۰۰
<i>P</i>	۲۱۵۴/۵۴	۴/۸۵۵۰	۲/۳۷۳	۷/۷۱۲
<i>EPS</i>	۲۱۴/۵۱	۱۰۳۳/۶	۵۱۶/۵۱	۱/۲۹۲
<i>Ret.</i>	۱۲/۴۴	۵۳/۳۰	۶/۲۶۳۲	۸/۹۹۸
$\frac{\Delta EPS}{P}$	-۰/۰۳۹۹	۰/۰۲۰۳۹	۰/۲۸۹۴	۰/۲۲۷۴
$\frac{EPS}{P}$	-۰/۱۰۴	۰/۱۵۳۵۸	۰/۳۲۲۸۷	۰/۱۹۲۹۳

نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی با سو و آزمون والد در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره ۲- بررسی میزان محافظه کاری در ایران

بخش اول؛ نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی									
محافظه کاری	متغیر	ضریب	آزمون t	سطح معناداری	تحلیل واریانس		ضریب تعیین		دوربین واتسون
					آزمون F	سطح معناداری	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	
	$\varepsilon_{ij}$	۰/۱۴	۸/۰۲	۰/۰۰					
	Return	۰/۰۱	۵/۹۵	۰/۰۰۱	۴/۷۴	۰/۰۰۳	۰/۳۳	۰/۲۶	۲/۰۶
	D. Return	۰/۰۷	۴/۵۶	۰/۰۰۲					
	D	-۰/۰۶	-۲/۲۹	۰/۰۴					
بخش دوم؛ نتایج آزمون والد									
آزمون والد	متغیر			آزمون F	سطح معناداری				
	$\frac{EPS}{P}$			۰/۲۴۴۴	۰/۶۲۱				

نتایج حاصل به شرح نگاره ۲، پس برازش رگرسیون و تخمین ضرایب در بخش اول بیانگر آن است که با توجه به اینکه ارزش احتمال (سطح معناداری) بالا است، فرضیه ی صفر مبنی بر مثبت بودن تفاوت ضرایب رگرسیون را تایید می کند.

در مورد فرضیه دوم، برای محاسبه محتوای اطلاعات حسابداری با استفاده از مدل بازده، به صورت جداگانه برای شرکت های کم محافظه کار و زیاد محافظه کار، رگرسیون گرفته شد. به همین ترتیب در مورد مدل قیمت نیز عمل شد و برای معناداری مقایسه محتوای اطلاعات حسابداری در دو سطح محافظه کاری آزمون Z کرامر به کار رفت که نتایج خروجی آن در نگاره ۳ به تصویر کشیده شده است.

با توجه به نگاره ۳ و ضریب تعیین تعدیل تعدیل شده مدل بازده، می توان استدلال نمود در شرکت‌ها با سطح محافظه‌کاری زیاد، بازده سالانه به میزان ۰/۰۳۳ درصد توانایی تبیین و توضیح‌دهندگی سود خالص هر سهم تقسیم بر قیمت سهام ابتدای دوره، را داشتند که این توانایی در شرکت‌های کم محافظه‌کار به میزان ۰/۰۱۲ رسیده است. لذا میزان توضیح‌دهندگی بازده بر اساس این متغیر در شرکت‌ها با سطح محافظه‌کاری زیاد، بیشتر از شرکت‌ها با سطح محافظه‌کاری کم است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل قیمت نیز می‌توان استدلال نمود در شرکت‌های زیاد محافظه‌کار، سود هر سهم و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به میزان ۰/۴۲۷ درصد توانایی تبیین و توضیح‌دهندگی قیمت سهام، را داشتند که این توانایی در شرکت‌های کم محافظه‌کار به میزان ۰/۰۷۱ رسیده است. لذا میزان توضیح‌دهندگی قیمت سهام بر اساس این دو متغیر در شرکت‌ها با زیاد محافظه‌کار بیشتر است و نتایج آزمون Z کرامر حاکی از آن است که این قیاس با استفاده از مدل قیمت معنا دار است، با احتساب این نتایج می‌توان گفت فرضیه دوم که  $(R^2)$  به دست آمده از شرکت‌های زیاد محافظه‌کار را بزرگتر از  $(R^2)$  به دست آمده از شرکت‌های کم محافظه‌کاری، در نظر می‌گیرد، تنها از دیدگاه مدل قیمت تایید می‌شود و در مورد مدل بازده نمی‌توان اظهار نظر کرد.

نگاره ۳- بررسی محتوای اطلاعات حسابداری دو دو سطح محافظه‌کاری

مدل رگرسیونی	سطح محافظه‌کاری	متغیر	ضریب	آزمون t	سطح معناداری	تحلیل واریانس		ضریب تعیین		دورین و آسون
						آزمون F	سطح معناداری	$R^2$	$R^2$ تعدیل شده	
محتوای اطلاعات مدل بازده	کم محافظه‌کار	$\varepsilon_{ij}$	۱۴/۵۵۴	۲/۷۷۸	۰/۰۰۶	۱/۷۳۸	۰/۰۴۷۹	۰/۰۱۷	۰/۰۱۲	۲/۰۶۶
		$\frac{EPS}{P}$	۴/۶۴	۱/۲۰۳	۰/۰۲۰۳					
		$\frac{\Delta EPS}{P}$	۱۳/۰۶	۱/۶۴	۰/۰۵۲۳					
	۱	$\varepsilon_{ij}$	۴۷/۷۱۶	۵/۵۵	۰/۰۰۰	۳/۴۲۳	۰/۰۰۳۴	۰/۰۴۲	۰/۰۳۳	۱/۸۳۲

		$\frac{EPS}{P}$	۵۰/۹۷۴	۳/۴۴۵	۰/۰۱۵					
		$\frac{\Delta EPS}{P}$	۳۲/۰۹۴	۱/۷۷۳	۰/۰۴۴					
محتوای اطلاعات-مدل قیمت	کم محافظه	$\epsilon_{ij}$	۱۵۸۷/۸	۷/۶۰۹	۰/۰۰	۸/۸۲۸	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۷۱	۱/۷۵۹
		EPS	۰/۵۱۶	۱/۷۶۴	۰/۰۰۱					
		BV	۰/۲۸۹	۳/۵۲۵	۰/۰۱					
	زیاد محافظه	$\epsilon_{ij}$	۲۰۳۴/۰۸۷	۲/۵۴۷	۰/۰۱۲	۷۸/۱۹۶	۰/۰۰	۰/۴۳۳	۰/۴۲۷	۱/۰۶۶
		EPS	۳/۵۳۱	۱۱/۱۹۲	۰/۰۰					
		BV	۱/۷۹۵	۴/۴۹۳	۰/۰۰					
<b>بخش دوم؛ نتایج آزمون Z کرامر</b>										
مدل	متغیر	آزمون F			سطح معناداری					
بازده	Return	۰/۴۶			۰/۶۴					
قیمت	P	۲/۳۸			۰/۰۱۷					

در ادامه، برای بررسی دقیق‌تر فرضیه دوم سعی شد تا درجه‌ی محافظه‌کاری و میزان محتوای اطلاعات حسابداری در سال ۸۹ به عنوان سال پایان تحقیق نسبت به سال ۸۵ به عنوان سال پایه تحقیق مورد مقایسه قرار گیرد، که نتایج آن در نگاره ۴ خلاصه شده است.

با توجه به نگاره ۴، سطح محافظه‌کاری (که از تفاوت ضرایب رگرسیون در این جدول بدست آمده است)، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹، به ترتیب به مقدار ۰/۰۱ و ۰/۰۶ می‌باشد، که می‌توان نتیجه گرفت که سطح محافظه‌کاری از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است. در کنار این افزایش، با مقایسه مقدار عددی ضرایب تعیین تعدیل شده، با استفاده از مدل قیمت، که به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۵۹ معادل ۰/۰۱ و ۰/۰۶۵، یک روند افزایشی در محتوای اطلاعاتی سود می‌بینیم و با توجه به آزمون Z کرامر این افزایش معنادار است که این مطلب نیز در تایید فرضیه دوم است، این در حالی است که با استفاده از مدل

بازده، تفاوت معناداری بین دو سطح محافظه کاری وجود ندارد. بنابراین امکان اظهار نظر صریح در خصوص پذیرش و عدم پذیرش فرضیه دوم تحقیق وجود ندارد.

نگاره ۴- بررسی روند محافظه کاری و محتوای اطلاعات حسابداری

مدل رگرسیونی	سال	متغیر	ضریب	آزمون t	سطح معناداری	تحلیل واریانس		ضریب تعیین		دورین واتسون
						آزمون F	سطح معناداری	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	
محافظه کاری	۱۳۸۵	Return	۰/۰۰	۲/۸۳۶	۰/۰۰۸	۳/۶۴۳	۰/۰۱۶	۰/۱۲۲	۰/۰۸۸	۱/۸۷
		D. Return	۰/۰۱	۰/۱۶۱	۰/۰۴۶۸					
		D	-۰/۰۰۸	-۱/۱۳	۰/۰۴۸۹					
	۱۳۸۹	Return	۰/۰۰	۱/۵۰۱	۰/۰۴۶	۴/۹۴۸	۰/۰۰۳	۰/۰۸۴	۰/۰۶۷	۱/۹۱۳
		D. Return	۰/۰۰۶	۱/۵۸۱	۰/۰۳۲					
		D	-۰/۲۵	-۲/۵۷	۰/۰۱۱					
محتوای اطلاعات-مدل بازده	۱۳۸۵	$\frac{EPS}{P}$	-۱/۰۳۳	-۱/۹۷	۰/۰۴۸۲	۵/۳۶۶	۰/۰۰۷	۰/۱۲۱	۰/۰۹۸	۱/۹۳۵
		$\frac{\Delta EPS}{P}$	۱۴۵/۳۲	۱/۹۶۸	۰/۰۵۱					
	۱۳۸۹	$\frac{EPS}{P}$	۱/۰۵۹	۱/۴۶	۰/۰۶۴	۲/۵۵۵	۰/۰۲۱	۰/۰۹۱	۰/۰۷	۱/۷۶۹
		$\frac{\Delta EPS}{P}$	۲۲/۹۸	۳/۱۰۱	۰/۰۳۱					
محتوای اطلاعات-مدل قیمت	۱۳۸۵	EPS	۱/۴۶	۲/۱۸	۰/۰۲۴۱	۳/۰۴۵	۰/۰۳۵	۰/۰۲۵	۰/۰۱	۱/۶۵
		BV	۲/۸۴۷	۱/۸۶۱	۰/۰۳۹۲					
	۱۳۸۹	EPS	۰/۵۸۱	۲/۶۵۶	۰/۰۰۶	۳/۸۷۳	۰/۰۲۵	۰/۰۸۸	۰/۰۶۵	۲/۰۳
		BV	۰/۹۲۴	۱/۴۰۵	۰/۰۴۹					
بخش دوم؛ نتایج آزمون z کرامر										
مدل	متغیر		آزمون F		سطح معناداری					

بازده	Return	۰/۵۸	۰/۶۰۶
قیمت	$P$	۴/۷۹	۰/۱۰۷۲

### ۶. نتیجه‌گیری تحقیق:

داشتن محتوای اطلاعاتی، به معنای موثر واقع شدن آن بر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان است. با توجه به مبانی نظری، پیش‌بینی می‌شد که هر اندازه میزان محافظه‌کاری اعمال شده در حسابداری و گزارشگری ارقام مندرج در صورت‌های مالی بیشتر باشد. استفاده-کنندگان از صورت‌های مالی اطمینان بیشتری به این اطلاعات خواهند داشت و در تصمیمات آنها موثرتر واقع خواهد شد [۱۱].

نتایج بررسی محتوای اطلاعات حسابداری با استفاده از مدل قیمت، در دو سطح شرکت-های کم‌محافظه‌کار و زیاده‌محافظه‌کار، نشان داد که مطابق پیش‌بینی‌های انجام شده، محتوای اطلاعات حسابداری همگام با افزایش سطح محافظه‌کاری، افزایش می‌یابد. و با در نظر گرفتن روند محافظه‌کاری و محتوای اطلاعات حسابداری، در طول دوره مورد بررسی نیز، تنها با به کار بردن مدل قیمت یک روند هم‌سو با سطح محافظه‌کاری دیده شد و در مدل بازده محتوای اطلاعات حسابداری با افزایش سطح محافظه‌کاری تفاوت معناداری را نشان نداد و چنین الگویی مشاهده نشد. نتایج این تحقیق در مورد افزایش محتوای اطلاعات حسابداری، با افزایش سطح محافظه‌کاری، با نتایج تحقیقات دیمیتروپولوپس استریو، هوگون و موسلو، بیکس و پوپ و یانگ، ساندر و ژانگ، جی ینیک و ژانگ مطابقت دارد و با نتایج تحقیقات پائیک و همکاران، بالاچاندان و کوسیندیس ولاداس در تضاد است.

از جمله دلایل احتمالی، عدم معناداری تغییر در محتوای اطلاعات حسابداری با افزایش سطح محافظه‌کاری، با استفاده از مدل بازده، را می‌توان ناشی از ضعف این مدل دانست. مدل

بازده به دلیل اینکه فقط سود خالص را مدنظر قرار می دهد و صورت های مالی دیگر (از جمله ترازنامه) را نادیده می گیرد در کمی کردن محتوای اطلاعات حسابداری، دارای ضعف است. ثانیاً پائیک و همکاران، در تحقیق شان دریافته بودند که با افزایش سطح محافظه کاری محتوای اطلاعاتی حسابداری کاهش یافته است. این محققین، نتیجه مزبور را این چنین توجیه نمودند که افزایش محافظه کاری کاهش پایداری سود را به دنبال دارد و اینکه کاهش پایداری سود قابلیت پیش بینی را زیر سوال می برد و از آنجاییکه قابلیت پیش بینی در کنار قابلیت بازخورد و به موقع بودن زیر ویژگی مربوط بودن (داشتن محتوای اطلاعاتی) است با افزایش محافظه کاری محتوای اطلاعات حسابداری کاهش می یابد [۲۳]، با این حال اظهار نظر در این مورد مستلزم انجام تحقیقات بیشتر و ابداع معیارهای با ثبات تر و دقیق تر برای سنجش محتوای اطلاعات حسابداری می باشد.

## ۷. پیشنهادات

به دست اندرکاران تهیه و تدوین مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری مالی توصیه می شود، نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه داخلی را مدنظر قرار داده و جایگاه مبانی نظری و ویژگی های کیفی خاص گزارشگری مالی از جمله محافظه کاری و داشتن محتوای اطلاعاتی را با توجه به رویه های حسابداری و شرایط موجود در بازار سرمایه کشور تعیین نمایند. همچنین، به سرمایه گذاران و تحلیل گران توصیه می شود جهت تصمیمات سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلندمدت، در کنار استفاده ارقام رایه شده در صورت های مالی به روش های حسابداری شرکت ها از جمله اتخاذ شیوه های حسابداری محافظه کارانه یا متهورانه در تولید ارقام مذکور توجه نمایند.

با توجه به اینکه موضوع این تحقیق در ایران تاکنون انجام نشده است و نیز با توجه به موارد مشابه انجام شده در خارج از کشور، به منظور انجام پژوهش های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می شود:

برخی از متغیرهای تحقیق حاضر بیش از یک تعریف عملیاتی دارند، و یا روش ها متفاوتی برای اندازه گیری محافظه کاری وجود دارد، که می توان هر یک از آنها را استفاده کرد. علاوه بر آن می توان شرکت های خارج از بورس و یا صنایع مختلف، را برای انجام مطالعات مشابه در نظر گرفت و نتایج آنها را با این تحقیق مقایسه کرد. در نهایت می توان به بررسی دلایل عدم تغییر محتوای اطلاعات حسابداری با استفاده از مدل بازده، در نتیجه افزایش سطح محافظه کاری، پرداخت [۲].

## منابع

۱. سازمان حسابرسی، کمیته فنی، (۱۳۸۱)، **استانداردهای حسابداری**، (پیوست: مفاهیم نظری گزارشگری مالی)، نشریه ۱۶۰
۲. شورورزی، محمدرضا، خاندوزی، عابدین، (۱۳۸۸)، "نبود تقارن اطلاعاتی، نقش آن اطلاعاتی محافظه کاری، بررسی دیدگاه های متفاوت در باب محافظه کاری"، **حسابدار**، شماره ۲۱۰، صص ۶۳-۵۶

۳. کردستانی، غلامرضا، خلیلی، مهدی، (۱۳۹۰)، "تاثیر محافظه‌کاری بر محتوی اطلاعاتی تفاضلی جریان‌های نقدی و ارقام تعهدی"، **دانش حسابداری**، بهار ۱۳۹۰، ۲(۴): ۱۰۴-۸۳

۴. کرمی، غلام رضا، حسینی، سیدعلی، حسنی، عباس، (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه بین سازوکارهای نظام راهبری شرکت و محافظه‌کاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات حسابداری**، پاییز، شماره ۲(۷)، صص. ۹۹-۸۶

۵. مهرانی، ساسان، مرادی، محمد، اسکندر، هدی، (۱۳۸۹)، "رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه"، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، دوره ۲، شماره ۱، صص. ۶۲-۴۷.

۶. مهرانی، کاوه، حلاج، محمد، حسنی، عباس، (۱۳۸۸)، "بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات حسابداری**، پاییز، شماره ۱(۳)، صص. ۱۰۷-۸۸.

۷. هندریکسن، الدون اس، ون بردا، مایکل اف، (۱۹۹۲)، **تئوری‌های حسابداری**، علی پارسایان، تهران انتشارات ترمه

۸ ولک، هری آی، جی تیرنی، مایکل، جیمز، ال داد، (۲۰۰۶)، **تئوری های**

**حسابداری، بحث های مفهومی در محیط های اقتصادی سیاسی**، غلامرضا

کرمی و کامران تاجیک، تهران، انتشارات نگاه نو

9. Ahmed, A. S., B. K. Billings, et al, (2002), "The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs", **Accounting Review**, 867-890.
10. Balachandran, S. V. and P. S. Mohanram, (2006), "Conservatism and the value relevance of accounting information", unpublished Working Paper, Columbia University.
11. Barth, M. E., W. H. Beaver, et al, (2001), "The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: another view", **Journal of accounting and economics**, Vol. 31 (1-3), PP. 77-104.
12. Basu, S., (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", **Journal of accounting and economics**, Vol. 24 , No. 1, 3-37.
13. Beekes, W., P. Pope, et al, (2004), "The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board

composition: evidence from the UK", **Corporate Governance: An International Review**, Vol. 12, No. 1, PP. 47-59.

14. Collins, D. W., E. L. Maydew, et al, (1997), "Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past forty years", **Journal of accounting and economics**, Vol. 24, No. 1, PP. 39-67.
15. Dechow, P. M., R. G. Sloan, et al, (1995), "Detecting earnings management", **Accounting Review**, 193-225.
16. Dimitropoulos, P. E. Asteriou, D., (2008), "Time lines, conservatism and financial transparent firms under greek accounting setting", **Review of accounting and finance**, Vol.7, No. 3, PP. 252-269.
17. Easton, P. D. and T. S. Harris, (1991), "Earnings as an explanatory variable for returns", **Journal of accounting research**, Vol. 29, No. 1, PP. 19-36.
18. Feltham, G. A. and J. A. Ohlson, (1995), "Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities", **Contemporary accounting research**, Vol. 11, No. 2, PP. 689-731

19. Givoly, D. and C. Hayn, (2000), "The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?", **Journal of accounting and economics**, Vol. 29, No. 3, PP. 287-320.
20. Hugon, A. and V. Muslu, (2010), "Market demand for conservative analysts", **Journal of accounting and economics**, Vol. 50, No. 1, PP. 42-57.
21. Khan, M. and R. L. Watts, (2009), "Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism", **Journal of accounting and economics**, vol. 48 (2-3), PP. 132-150.
22. Kousenidis, D. V., A. C. Ladas, et al, (2009), "Value relevance of conservative and non-conservative accounting information", **The International Journal of Accounting**, Vol. 44, No. 3, PP. 219-238.
23. Paek, W., L. H. Chen, et al, (2007), "Accounting conservatism, earnings persistence and pricing multiples on earnings"

24. Park, Y., W. Wilcox, et al, (2011), "Does Conservatism Affect the Value Relevance of Discretionary Accounting Disclosures?"
25. Penman, S. H. and X. J. Zhang, (2002), "Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns", **Accounting Review**, 237-264.
26. Pervin, K. Shroff, (2007), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 24, No. 1, PP. 3-37.
27. Sunder, J., S. V. Sunder, et al, (2009), "Borrower conservatism and debt contracting", Working Paper.
28. Watts, R., (2002), "Conservatism in accounting", Simon School of Business Working Paper, No. FR 02-21.
29. Zhang, J., (2008), "The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers", **Journal of accounting and economics**, Vol. 45, No. 1, PP. 27-54.

# **The relationship between conservatism and value relevance of accounting information in the Tehran Stock Exchange**

Dr. Shahnaz Mashayekh

Marzieh Hejrani Jamil

## **Abstract**

This research investigates the effect of conservatism on the value relevance of accounting information. In this study for quantifying the conservatism from the Basu model and for quantifying information value relevance of accounting from both the return and price models were used . The financial data of 90 companies listed in Tehran Stock Exchange for the years since 1385 to 1389 collects and hypotheses investigates using multiple regression, Cramer z-test and Wald test. Research findings, while confirming the observation of conservatism in Iran, shows that moving from companies with low level of conservatism to Companies with high level of conservatism, increase the value relevance of accounting information. Also the results of the process of conservatism and value relevance of accounting information in the during this period, using the price model, indicates with increase the level of conservatism,

value relevance of accounting information increases, but Such behavior wasn't observed in the return model.

**Keywords:** conservatism, high level of conservatism, low level of conservatism, value relevance of accounting information